

..به يك مهندس ساختمان ميگن نظرت راجع به ساختمان بدن خانم ها چيه؟ نماش كه حرف نداره
..هالش هم كه بيسته .. فقط حيف كه دستشويي و پذيراييش كنار همديگه است

المه؟؟ ميگه آره سالمه فقط لره توي كيوسك تلفن بوده بيرون مياد ازش مي پرسن س
..آفتابه نداره

..فرق بين ايرانيا با هنديا: هنديا گاواشون مقدسن .. ايرانيا مقدساشون گاوان

...فرق بين بين قانون سوم نيوتن و زن: اولي كنش بعد واكنش.. دومي واكنش بعد كنش

مي شي شباهت گوز با دوست پسر: هر دو تاشون رو وقتي ول كني راحت

به تركه مي گن ميدوني چرا شمشير حضرت علي دو شاخه بوده؟؟ تركه ميگه واسه اينكه
شبا بزنه توي شارژ

تركه: آقاي دكتر من 100 سال عمر مي كنم؟؟

دكتر: سيگار مي كشي؟؟

تركه: نه

دكتر: عرق؟

تركه: نه

نه ترياك؟؟

نه غذاي چرب؟؟

نه خانوم بازي؟؟

سال عمر مي خوي چه گهي بخوري؟ صد: دكتر ميگه

شهره دریا غرق می‌پوشه، می‌شیرت تایتانیک می‌ترکه تی

دی‌ای‌گه جلون ی‌شه مین، بعد پا می‌خوره زم ی‌کلت می‌ارو ترکه با موتور سی‌هی‌ه باری
دم‌یت نم‌یرضا ی‌چ کون کش‌ی‌که من به ه

ای‌پر از آب آورده، بعد پسر کاسه‌کن‌رود و از پسر صاحب‌خانه طلب آب می‌ای می‌مردی در خانه
شکند. مرد خجل و شرم‌نده شروع به‌افتد و می‌دهد. ناگهان کاسه از دست مرد می‌دست مرد می
گوید: عیب نداره، به بابام‌کنند. پسرک هم برای اینکه دل او را به دست آورد می‌عذرخواهی می
گم یه کاسه دیگه واسه سگمون بخره‌می

سبزه، سبزه، سبزه.. سبزه.. یکی از اون‌جارد: هی وایساده بوده، هی میگفته ترکه کنار یه چا
کنید؟ ترکه بچه یارو تونم بیرسم دارید چیکار می‌پرسه: ببخشید قربان، می‌میشه، می
کنه تو چاه، می‌گه: چهارده، چهارده، چهارده و میگیره، پرتش می

رمولک کمک کنیده من بدبخت ما: می‌گه، تمساحه میره گدایی

می‌دونید فرق خیار با بلال چیه؟
بلال تو فیلمه محمد رسول الله بود ولی خیار نبود
حالا می‌دونید شبا هنتشون چیه؟
هیچ کدوم تو فیلمه تایتانیک نبودن

یه ترکی عروسی می‌کنه فرداش میره پیش دوستاش. دوستاش ازش
نومت چکار کردی؟ می‌پرسن ناغلا دیشب عرو سیت بود با خا
اونم عصبانی میشه می‌گه مگه آدم با ناموس خودشم از این کارا می‌کنه؟

شان سر رفته بود. يکي از آنها گفت: بيا شير يا خط بيندازيم. اگر دوتا پسر حوصله کنيم و اگر سکه روي لبه شير شد ميريم دو چرخه سواري، اگر خط شد ميريم ماهواره نگاه مي! خونيم ميريم درس مي اش ايستاد

، يه روز يه مورچه هه ميره تو چايي يه خسيسه، خسيسه مورچه هه رو درمياره و ميگه: زود باش هرچي چايي خوردي تف کن

: يه روز يه خسيسه مريض ميشه. دوستش ميره عيادتش، حالشو ميپرسه. خسيسه ميگه براي همينم رفته ام زير پتو. حالم بده. دکتر گفته بايد حسابي عرق کنم تا خوب بشم دوستش گفت: بايد حسابي عرق کنی؟ پس بدون امشب همه بر و بچه ها و فک و فاميلاشون! میان خونه ت مهموني

يه روز دو نفر داشتند براي هم خالي مي بستند؛ اولي گفت: باباي من يه انباري گنده داره که همه دنيا توش جا ميگيره ن که چيزي نيست، باباي من يه چوب دراز داره که با استفاده ازش مي تونه ازدومي گفت: اي اينجا ستاره ها رو تو فضا حرکت بده اولي گفت: خالي نبند! اگه راست ميگي باباي تو چوبش رو کجا نگه ميداره؟ دومي جواب داد: خب، معلومه؛ توي انباري بزرگ باباي تو

!ت مي شه؛ چون بادکنکهاش رو به شرط چاقو مي فروخته يه بادکنک فروشه ورشکس

يه روز دو نفر داشتند براي هم خالي مي بستند؛ اولي گفت: ديشب من يه توپ شوت کردم که رفت تا کره ماه، خورد تو سر يه مرده و برگشت دومي گفت: آهان! پس ديشب اون توپي که خورد تو سر من تو شوت کرده بودي

سوختگي و 90% کوفتگي 10% يه روز دو نفر رو به بیمارستان ميرسونن که هر دو داشتند. از اولي مي پرسن: چي شده؟ چرا اين جوري شده اي؟
!جواب ميده: چون که وقتي آتيش گرفتم، با بييل خاموشش کردن بعد از دومي مي پرسن: تو چت شده؟
!ستم از روش بپرمدوميه جواب ميده: آتيش کنج ديوار بود؛ خوا

یه روز یکی میره دندونپزشکی و به دکتره میگه: آقای دکتر! من این دندونم درد میکنه
دندونپزشکه هم یه کم نگاه میکنه و بعد دندونه رو میکشه. بعد مرده میزنه زیر خنده و میگه
!خرت کردم، خرت کردم؛ اون یکی دندونم بود

!! بوده، هر شب تو گاوصندوق می خوابیده یه نفر دندوناش طل

پرسه: دو تا حیوان دو زیست نام ببر؟ ی معلم از شاگردش م
گه: قورباغه و برادرش ی شاگرد م

میگه: آقای دکتر، من هر شب خواب می بینم دارم یه روز یه مرده می ره پیش یه روانپزشک و
ی چیزی بهم بدید که دیگه از این خوابا نبینم فوتبال بازی می کنم؛ یه دوا یه عده خر
دکتره میگه: بیا آقا، این قرصها و این شربت رو امشب بخور؛ دیگه این خوابا رو نمی
بینی
!مرده میگه: آقای دکتر، نمی شه اینها رو از فرداشب بخورم؟ آخه امشب فیناله

زنگ نزد؟ یدم کس که من نبوی پرسه: موقع یاز شاگردش م ی صاحب مغازها
شاگردش گفت فقط سفیر فرانسه زنگ زد
گه: فقط یچه کار داشت؟ شاگرده م نفهمید! ی گه: چه افتخار ی ذوق زده م ی صاحب مغازه
!!! گفت ببخشید اشتباه زنگ زدم

میدونید تفاوت بیمارستان ارتش با زایشگاه چیه؟
ه کبر خورده هاروتو بیمارستان ارتش تیر خورده هارو می برن اما زایشگا

شباهت زن و گوسفند هم اینه که همه جاشونو غیر از پشماشون میشه خورد

رشته داشته نشو میزده، به جرم تخریب اموال عمومی دستگیرش میکنن

یه بچه با مامان بزرگش به حموم میره. تو حموم مامان بزرگه شورتشو که در میاره، بچه این پشمالوهه که لاپاته چیه؟، میگه: مامان بزرگ مامان بزرگه میگه: خشکله من، این گربه است بچه میگه: پس چرا این گربه ات مثل گربه مامانی چاق نیست؟ مامان بزرگه میگه: آخه گربه مامانت هر شب دو کیلو گوشت می خوره، اما گربه من یه بادمجون خشک و خالی هم گیرش نمیداد

دوسم داشته باش ولی بهم دست نزن: چهار روز اول دوستی
چهار روز دوم دوستی: دست بهم بزن ولی بوسم نکن
چهار روز سوم دوستی: بوسم کن اما منو نکن
چهار روز چهارم دوستی: منو بکن اما فراموشم نکن

زنی که در حمام بزرگ رشت واجبی (موبیر) خانوما می داد، فوت میگن
نازه این زن واجبین ده، شعار میدن مردای رشت در مراسم تشیع ج
خدا رحمت کند فخرالنسا را
شب های جمعه برق مینداخت کس ها را

یه روز ترکه به منزل میاد و خانم رو ناراحت می بینه. ازش می پرسه: خوشگل من، چرا ناراحتی؟
ه؟ جواب می ده: چرا خدا به تو این معامله کلفتو داده و میون پاهای من چیزی نداشت طرف میگه: عزیزم، این ماله توئه. خرما لیش مال منه

به یه آقای میگن: تا حالا ماشین هول دادی؟
میگه: نه، ولی یه بار هول شدم تو ماشین دادم

به یه ترک منافق میگن نظرت درباره ختنه کردن آقایسرا چیه؟
ری عالمه میگه: الده نمی دونم! فقط می دونم که بزرگترین کلاه بردا

چیز دل نبندید: یکی پرده بکار تان و دیگری مهریه ۲ شما دختران را نصیحت می کنم به تان. که اولی به کیر راستی بند است و دیگری به تخم چپی

:شیره و خره قرار میگذارن همدیگه رو بکنن، اول شیره میکنه، وسط کار به خره میگه
گرده یه لب میده. بعد نوبت خره میشه، شروع میکنه به برگرد یه لب بده بینم. خره برمی
آی کس: هوی شیره برگرد یه لب بده بینم. شیره هم با ناله میگه: کردن وسط کار میگه
عمت! اگه بتونم برگردم که خوار تو میگام

ترکه کیرش می خوابه، تخماش رو میدزدن

همون یی گفت که غضنفر یه بود) میرام آف گذاشت یی (کردم یبا خودش که صحبت م
نطور که یح کنم همیشه البته تصحیح نم ی به عموم ترکا توه ینجوری خودمون : ا ی ترکا
میرو ندار یا اشخاص محترمی له و فردی چ قوم و قبی ی به هیجا قصد توهی قبلا گفتم ما ا
به گهی ها بد در رفته دین که اسم بعضی ه پاتوق خندست و ای نجا فقط و فقط ی و ا
, نداره یچ واهمه ای نداشته باشه ه یخودشون ارتباط داره . در ضمن اگه آدم از خودش شک
که یوقت یدن جوکها ول ی شد از شن یل ناراحت می ه دوست ترک داشتیم که اوای نظور که من ی هم
گه خودش هم برامون یح و خنده دی تقر ی م و فقط برای ندار ی م که منظوری بهش فهموند
ن جوکها رو هم بلد بود که یی و خنده دار تریفت . چه بسا که بهترگ ی م ی ترک ی جوکا
ناکس رو نکرده بود

پسره واسه بابا نوئل نامه مینویسه میگه بابا نوئل امسال واسم یه داداشی بیار
بابا نوئل واسش مینویسه مامانتو بفرست بیاد

دومی نمپاشتم اولی دوتا غضنفر تصمیم میگیرن فارسی صحبت کنن اولی میگه پاشو
جواب میده نگو نمپاشتم بگو پاشیده نمی شوم

یه غضنفره زنش سبزه بوده ... سبزه بدر میندازش تو آب

ترکه سر نماز موقع قنوت دستاشو برعکس میگیره ، بهش میگن آخه این چه طرزشه ؟
میگه : میخوام ایندفعه از حفظ بخونم

ه که یه دفعی خره لگد میزنه تو سینه شیره ! ترکه جویه ترکه داشته راز بقاء میدید
گه محمد یاش صلواتی گیر همیشه م

رشتیه به ترکه میگه خاک بر سرت آبروت رفت ترکه میگه آخه چرا میگه چون خانوم
دیشب تو خانه عفاف دیدنت

. از ترکه می پرسن حموم چند بخشه می گه 2 بخش . زنونه مردونه

می کنن جو می گیردش حامله می شه ترکه رو بوس

می دونید چرا نیوتن از خوردن سیب تو سرش تعجب کرد؟ چون زیر درخت هویج خوابیده
!!بود

از یه خر میپرسن: راسته که ترکها خر هستن؟ خره میگه یه مذاکراتی شده، ولی ما زیر بار
انرفتم

قرارمون یادت نره دیر نکنی یه روز یکی با دوست دخترش قرار میزاره، دختره میگه
منتظرم، پسره میشینه تو ماشین میگه بزن بریم به سرعت برق و باد بزن بریم از
اینجا، بعد تصادف میکنه مردم بهش میگن دیوونه دیوونه، پلیس میاد میگه شهرو بهم
ریختی دیگه چی میخوای؟ بعد میبرنش زندان، باباش میاد پیشش، پسره به باباش میگه
!!!!!!ببخش، باباش میگه تو عزیز دلمی تو عزیز دلمی منو

ترکه میگه :تا این وقت شب , ترکه عینک دودی میزنه به چشمش بعد بچه اش میاد جلوش
کجا بودی پسر

پدراه و رُل ، رُل یات تبازیلا ، !سوفیا اُره از یه لره مییارسن تو شما آدم مشهور هم هست میگه آره شیمیائی هم هست که اختراع خودمونه بهش میگن کُلر یه ماده

یه ترکه میره دکتتر میگه آقای دکتتر هیچ کس منو تحویل نمی گیره. دکتتره میگه: نفر بعدی

از رشتیه می پرسن بزرگترین افتخار زندگیت چیه؟ میگه بزرگترین افتخار من در !!زندگی اینه که فرزند سه شهیدم

!!ته بره زن بگیره ، گالینابلانکا میخره یه خروسه پول نداش

حسن آقا با زن و بچه اش تو خیابون بودن که یه موتوری باشتاب، زن رو بلند می کنه و د فرار، پسره می گه :بابا مامانو بردن، حسن آقا می گه !!!مامانو ولش، شتابو بچسب

ک کوزه ی آقا اجازه، چون:است؟ احمد معلم نقاشی:احمد، چرا دفتر نقاشی ات خیس شده کردم ی شکسته نقاش

د خیلی ین طرف ببخشید قبله کدوم طرفه؟ او جواب داد: از ای دند، ببخشید از یك نفر پرس د برم؟ی با

آخه مدرسه خیلی کلاس داره ؟ی چرا تولدت رو تو یه مدرسه برگزار می کن

می ده بودی گه پمپ باد نشنید می ولیده بودی مثل زنده باد، مرده باد شن و همه چ

کمی د، مجبور شدی کرد دستش به پشتش نرس یک نفر که پشتش میخارید، هرکاری بگذارد یصندل

ره زن فرار کرد وی کند. پ یب می شاخ و دم او را تعق یک غول بی د که یره زن خواب دی یک پی شد یک تر می د، بن بست است. غول هر لحظه نزدیکی کوچه که بعدا فهمی ید توی چی به پ دانم تو ی غول جواب داد. من نم ی بکن ی خواه ی کار می د حالا با من چی ره زن هراسان پرس ی پ ی ن یب ی خواب م ی دار

ر لب بایز ی زندان . چوبه دار بردند تا اعدام کنند ی را به پای سحرگاه روز شنبه، زندان دارم ش روی پ ی ن هفته معلومه که چه هفته گندی خودش گفت: از شنبه ا

معلم موضع انشا روی تخته نوشت: "درباره هر چیزی که در جیتان است يك انشا بنویسید

:از دانش آموزان است ی کی ر مربوط به ی انشا ز نوشتن انشا دست در جیبم کردم . چند تا سوراخ در آن بود. از خجالت به سرعت سوراخ ی برا مین افتاد و پای از سوراخ ها به زم ی کی ی به علت دستپاچگی یش گذشتم ول ی ها را سرجا سوراخ ی رفت تو . می اورم، زنگ انشا تمام شده بود و ما به سمت خانه راه افتادی سوراخ در ب ی م را از توی تا پا می بودم، مبادا که پای ی گر زندگی ی مواظب سوراخ ها ی البته در راه بازگشت به خانه چارچشم ر کندی ر آن ها گ

، خلاصه شروع میکنن به درد دل افاش تو کافه نشسته بودن، هر سه تا هم دستتآ دمق ترکه با دوتا از رف اول یکی از رفیقاش میگه: دیروز تو کیف دخترم يك بسته سیگار پیدا کردم، آی حالم بگرفته شد. تاحالا فکرشم نمی کردم که دخترم سیگاری باشه. اون یکی رفیقش میگه ز تو کیف دخترم يك بست حشیش پیدا کردم، ازون بابا این که چیزی نیست، من پریرو موقع تاحالا فقط میخوام بمیرم! عمری فکر نمی کردم دخترم عملی باشه. ترکه يك آه از ته دل میکشه، میگه: بابا اینا که چیزی نیست. من دیروز تو کیف دخترم يك بسته کاپوت پیدا کردم. تا امروز فکرشم نمی کردم که دخترم کیر داشته باش

يك روز زن اولش زنگ میزنه دفترش، با کلي ناز و ادای شوهر خفه کن بترکه دو تازن داشته چشم خانوم، بدبخت شوهر هم میگه. کلي خرید دارم! عزیزم، چرا يك سر به من نمی زنی؟: میگه

هنوز گوشي رو نگذاشته بوده زمين كه زن دومش زنگ ميزنه و باز با همون حتماً يك سر ميام ريب عشوه ميگه: عزيزم چرا نميائي پيشم، مگه نميدوني مريض احوالم؟! و باز هم ترکهت ميگه: چشم عزيزم، حتماً ميام پيشت. خلاصه عصر ميشه و ترك عزيز قصه ما اول ميره يك سر به زن اولش ميزنه و خلاصه يوخده اوضاع گرمتر از معمول ميشه و كار به جاهاي باريك ، ميشه، ترکه ميگه: خوب عزيزم پاشو بريم بزازي لباس بخريم ميشه. كارشون كه تموزنه هم كه مشكلش حل شده بوده ميگه: نه عزيزم باشه يك وقت ديگه. خلاصه ترك نازنين قصه ما هم خداحافظي ميكنه و ميره سراغ زن دوم و خوب دور از ذهن نيست كه اونجا هم كارشون !! يك ربع تلننه زدن پياده ميشه دكتر بازي به جاهاي باريك ميكشه و جناب شوهر ي نه: عزيزم ميخواي بريم دكتر معاينت كنه؟ زنه هم ميگه: كه تموم ميشه، باز ترکه ميپرسه بعد از پايان هر دو ماجرا، ترکه كيرشو در مياره ميگه: گربان سنه! حاله الان بهتره، بعداً ميريم! هم دكتر سنه هم بزاز - سرافراز

رده بوده خونه، جندهه همينجوري كه داشته ساك ميزده، كير ترکه رو مثل ترکه جنده او ميكروفن ميگيره، ميگه: خدایا! تو شاهدي كه اين ظالم منو مجبور کرده اين كار رو بكنم خودت منو ببخش! ترکه هم سريع كير خودشو ميگيره، ميگه: خدایا دروغ ميگه! تازه ده هزار انومن هم گرفته

ه تو اتاق خواب، ميبينه يك نره خري زير تخته. ميگه: خانم جان، اين زير تخت رشتيه مير! اونم اما رو تخت كه غوغا ميكنه زير تخت رو نمي: ميگه چي كار ميكنه؟! زنش

بينند جلوشون يه يارو داره گشادو تا دانشجو پزشكي داشتن تو خيابون ميرفتن، مي اون يكي ميگه: نه اين آپانديشو. بابا بواسير داره يکشون ميگه: اين گشاد راه ميره عمل کرده. خلاصه هي با هم بحث ميكنن ولي به هيچ نتيجه اي نميرسن، ميگن بريم از خودش بپرسيم. ميرن به يارو ميگن: آقا ببخشيد، ما ديديم شما اينجوري راه ميرين، با هم شرط كردين ولي رفيقم ميگه شما بواسير من ميگم شما آپانديستون رو عمل، بندي كرديم كردم گوزه، ولي نامرد، ان دارين. يارو ميگه: والله هر سه تامون اشتباه كرديم! منم اول فكري نبود!

ترکه و رشتيه تو جهنم هم ديگه رو ميبينن. رشتيه به ترکه ميگه: تو چه جوري مردی؟ مردم! ترکه من از تعجب: رشتيه ميگه ترکه ميگه: والله من از سرما مردم، تو چه جوري مردی؟ ر يعني چي؟ چطوري از تعجب مردی؟! رشتيه ميگه: والله من رفتم خونه، ديدم خانم: ميگه كسي، لخت خوابيده رو تخت، زير تخت رونگاه كردم هيچكي نبود، تو كمدر رو نگاه كردم. ولي هيچكي نبود تو دستشويي، خلاصه همه جا رو نگاه كردم، نبود، تو حموم، تو انباري منم از تعجب سكته كردم مردم! ترکه ميگه: خاك بر سرت! تو فريزر رو هم نگاه ميكردي، نه! اتواز تعجب ميمردی، نه من از سرما

عربه و ترکه میخواستن کون همدیگه بگذارن، قرار میگذارن هر کسی آخ بگه باید دریاره ش گاییده میشه، ولی از ترس هیچی نمیگه و گذاره، ترکه خوار دوباره بگذاره. اول عربه می: کنه سوت زدن. عربه کیرش رو درمیاره میگه: و لك باید دوباره بگذارم! ترکه میگه شروع می بابا من که آخ نگفتم! عرب میگه: سوت که زدی! ترکه شاکی میشه، میگه: مادر قحبه 50 دو کیلو کیرو فرو کردی، گرم گوشت رو میگذاری توی زودپز، ده دقیقه بعد صداش درمیاد! سوت هم نمیتونیم بزنیم؟

یه روز یه رشتیه با قزوینیه میرن ماهیگیری قلاب هاشونو میندازن تو اب بعد چند دقیقه دوتایی یه ماهی می گیرن رشتیه می گه ماهی ماله منه قزوینیه می گه نه ماهی ماله منه بذاریم هرکس بیشتر اون یکی رو جروبحث بالا میگیره قزوینیه میگه بیا کون همدیگه دفعه کردن ۱۰ گایید ماهی ماله اون رشتیه قبول میکنه اول قزوینیه میره رو کار بعد از کنار رشتیه میفته نفس نفس میزنه رشتیه حالا تو بخواب نوبت منه قزوینیه میگه ماهی رو نمی خوام ماله خودت

هر و یادم نمیاد ولی آبان و آذر زیاد کردم به ترکه میگن زنتو چقدر مهر کردی؟ میگه والا م

قزوینیه داشته با بچه اش راه میرفته بچه اش تف میکنه. قزوینیه محکم میزنه پسه تا کون کرد ۲ گردنش میگه خاک بر سرت با این میشد

روز یه زنه سه نفر و میاره تو خونه. بهشون میگه اگه کسی اومد برید تو گونی. بعد صدای. رسه. اون سه تا میرن تو گونی. مرده میاد یه لگد میزنه به گونی اول شوهر زنه می. گردو در میاره. به دومی میزنه صدای نون خشک میده. به سومی میزنه. صدایی نمیاد دوباره میزنه، باز صدای نمیده. چند بار دیگه میزنه. یارو شاکی میشه میاد بیرون میگه: کره خر، آرده. صدای نداره آر

ترکه داشته از تو جنگل رد میشده؛ بهو يك شیره جلوشو میگیره، میگه: کوچولو کجا میری؟! ترکه میگه: خونه مادر بزرگ، بخورم پفك نمکی، چاق بشم چله بشم، بعد میام کیرم نمیتونی بخوری

همی بینش بهش میگن چرا این جوریه؟ میگه حتماً موضوع م عربه پاهاش پرانتزی بوده،

به نظر من سیگار پدر: خبر نگاره نظر ترکه رو درباره سیگار میپرسه، ترکه میگه
آخه مادر سلامتی رو: چطور آقا؟ دلیل شما چیه؟! ترکه میگه: سلامتی! خبر نگاره میگه
میگاد.

از بینن که یه چیزیم، استاد داشته میگفته که دختر از بچگی وقتی میسرکلاس تنظ
پسرا کمتر دارن احساس کمبود میکنن و این مسئله باعث افسردگی در اونها میشه! یکی از
پسرا پامیشه میگه: استاد، اینی که ما داریم هم آخرش مال اوناست، فقط خرچمالیش افتاده
بگردن ما.

زن ترکه داشته تو خیابون میرفته، دکمه روپوشش باز بوده، یک پستونش هم مثل آفتاب
رخشان بیرون! یارو حزبله میاد بهش میگه: زنیکه جنده! درست کن لباس تو! زنه نگاه
نه تو سرش میگه: اوا خدا مرگم بده! باز بچه رو تو اتوبوس جامیکنه به روپوشش، میز
گذاشتم.

ه پولداره شب ماشین بابا رو ور میداره بدون گواهینامه میزنه بیرون. تو راه یه افسری
کنه، میگه: حالا چهره میگیره، میگه: کارت ماشین، گواهینامه. پسره جفت می ترک جلوش
گهی بخورم؟! الان دهنمو میگاد. ور میداره یه هزاره کف دست یارو. ترکه تو تاریکی
نگاه میکنه به هزاره، یه دفعه زرد میکنه، خبردار وامیسه، میگه: بیخشید آقای خمینی، تو
تاریکی نشناختتون

بینه از پنجره طبقه سوم یه خونه یه کونفرزینییه داشته از میدون انقلاب رد میشده، می
سفید و تپلی زده بیرون! خلاصه میره زنگ میزنه میگه: بالام جان، ماهم همشهری هستیم
هوام گرمه، این درو بزنی بیایم بالا بالاخره صواب داره! یارو میگه: برو بالام جان خدا
!ما خودمان اینجا 5 نفریم، کان بچه داغ کردست گذاشتیم خونک شود! ای دیگه بده روزیتوج

!ترکه میشینه سر کوچه، کوچه میره تو کونش

بچه هم حین عمل داشته با گلهای قالی، قزوینیه داشته تو خورش ترتیب بچه رو میداده
بالام جان، دل به کار بده: میزنه تو سر بچه میگه، قزوینیه شاکی میشه. بازی میکرده

این آلت مثل زایده ایست که: م خانواده داشته آلت جنسی مرد رو توضیح میداده، میگه ای استاد تنظ
جاسم خان هم که از قضا عرب بوده میاد به بدن مرد چسبیده، جاسم جان لطفاً بیا اینجا برای کلاس تشریح کن
،گاهی میکنه، میگه: ...بله همونطوری که گفتم پای تخته و میکشه پایین. استاده یک ن
جاسم زایده ایست که به این آلت چسبیده

جون چه گردنبند خوشگلی داری، اینو بابام دختر رشتیه میره پیش مامانش میگه: مامان
برات خریده؟! زنه میگه: من اگه به امید بابات بودم، الان تو رو هم نداشتم

بازی مستمر میندازنش قعر دوزخ، پیش دنیا به علت 70 سال بچه قزوینیه میمیره، اون
شنیند های دیگه جهنم هی صدای آه و اوه و داد و بیداد می اژدهای دو سر! یک مدت میگذره طبقه
ها میرن پیش رئیس جهنم میگن: این بیچاره گناه داره، بگذار بالاخره دو سه تا از فرشته
ن. اونم میگه باشه. همچنین که در سلول قزوینیه رو باز می اژدها بیاریمش بیرو
بابا خجالت بکش! آخه: ها بهش میگن زنه بیرون، حالا ندو کی بدو! فرشته کنن، اژدهای می
:چرا داری در میری؟ اژدهای میگه: بابا این دهن منو سرورس کرده! الان دو ماهه گیر داده که
پس اونیکی کانت کجاست؟، جان تو که دو تا سر داری بالام

:قزوینیه میره پرورشگاه یک بچه رو به فرزندی قبول کنه، مسؤول اونجا ازش میپرسه
بری؟ کنی یا می جان، می بالام

:عربه میگن با آب جمله بساز، میگه: کیر تو کس ننت! میگن: پس آبش کو؟! عربه میگه
برو از ننت بپرس

گزارش تهيه كنه، يك ترکه رو گير مياره از ش ميپرسه: برادر خبرنگاره ميره جبهه جنگ پرسه: پس تو كار شما اينجا چيكار ميكنين؟ ترکه ميگه: زرشك پاك ميكنيم! خبرنگار مي ايد؟ ترکه ميگه: نه بابا! اينجا يك تابلو هايي زدن روش نوشتن: كربلا ما داريم آشپزخونه شك! ما اونهارو پاك ميكنيم!! خبرنگار نويسن زرميائيم، زير اين تابلوها ملت مي ميگه: كات! آقا درست جواب بده! بابا پخش مستقيمه! دوباره ميپرسه: شما اينجا امداد اي مياد ميافته توي غيبي هم دارين؟! ترکه ميگه: بله، هر از چند وقتي يك تويي، خمپاره !بات! بابا اين چه وضعه زنه: كسنگر، هفت هشت نفر غيب ميشن! خبرنگار داد مي درست جواب بده. ترکه ميگه: آخه شما ميپرسى، من هم جواب ميدم ديگه! يارو ميپرسه: برادر شما اينجا ايتار هم ميكنين؟ ترکه ميگه: والله عيسى رو نه ولي يه موسي داريم همه ميكنن.

كتر دستم به دامت، چند روز يارو كيرش خيلي كوچيك بوده ميره پيش دكتر، ميگه: آقاي د ديگه عروسي منه يك كاري بكن اين كير ما يه خورده گنده بشه شرمنده ز نمون نشيم! دكتره دارو مينويسه ميده دست يارو. تو همين لحظه يكي ديگه مياد تو ميگه: آقاي دكتر اين كير بشه! دكتره نسخه اس، پدر مارو در آورده! يه دارويي بده يه خورده كوچيكتر ما خيلي گنده نويسه. از قضا تو داروخانه دارو هاي اين دو تا اشتباه ميشه! فر داش اون اينكي رو هم مي زنه: مرتيکه عوضى! يه ذره كير باباي كه كيرش كوچيك بود مياد پيش دكتره و داد مي داشتيم اونهم از دست رفت! دكتره ميپرسه: اي بابا! حالا اون يكي مريضه كجاست؟ يارو پايين داره عقب جلو ميكنه بياد مادر تو بگاد: بيگم

دو تا ترکه دو تا گاو ميخرن، اولي به دومي ميگه: حالا چي كار كنيم كه گاوامون با هم اشتباه نشن؟ دومي ميگه: تو دست به گاو نزن، من يه گوش گاو مو ميكنم. بعد از چند وقت، گاو تو دست به گاو: ايندفعه دومي ميگه. ميشه اولي هم گوشش گير ميكنه به يه جايي كنده خلاصه هي. از قضا بعد از چند وقت دم اون يكي گاو هم كنده ميشه. نزن من دم گاو مو ميكنم آخر سر اولي. اولي ميزنه يه جاي گاو شو ناقص ميكنه، اون يكي گاو هم همون بلا سرش مياد !!! مال تو اصلاً سفيده مال من سياهه: شكاي ميشه به دومي ميگه

ترکه زنش حشري نميشده. ميره پيش دكتر، ميگه: آقاي دكتر! يه چيزي بدين كه اين زن ما حشري بشه. دكتره يه دارو بهش ميده ميگه: از بين قطره بريز تو غذاي زنت، ولي يوقت خودت نخوري ها! ترکه ميره خونه، يكم از دوا ميريزه تو غذاي زنش، بعد با خودش ميگه: اين كتر ا همش كس شعر ميگن! بگذار خودم هم يكم بخورم امشب خوب حال كنيم! خلاصه خودشم بقيش رو ميره بالا. شب خوابيده بودند بغل هم، زنش ميگه: عزيزم! ميگه: جانم؟! زنه !!! ميگه: من كير ميخوام! ترکه ميگه: آي گفتي

د؟ میگه آخه من آب نطلبیده ترکه اسمش مراد بوده، ازش می پرسند چرا اسمتو گذاشتن مرا !!بودم

زنه تو خیابون داشته لنگ لنگان راه میرفته، لوطیه بهش میگه: خدا بد نده آجی؟! زنه !!میگه: خدا بد نداده، خودم بد دادم

ترکه می خواسته چشمای بچش عسلی شه؛ تخماش رو هفت دقیقه میندازه تو آبجوش

یره ساندویچ فروشی، یک ساندویچ مغز سفارش میده تو جزیره آدمخورا یک بابایی م هفته یعنی چی؟ مگه سر گردنست؟: مرده عصبانی میشه میگه. تومن 2 میشه: ساندویچیه میگه پیش یک تومن بود! ساندویچیه میگه: آخه این مغز تهرونی، بابا بالاخره یک کلاس خاص میگه. هفته دیگه میاد دوباره یک خودشو داره. مردک هم ساندویچش رو میخوره و چیزی ن ساندویچ مغز سفارش میده، این دفعه ساندویچیه میگه: شد 10 تومن! یارو خیلی شاکي میشه، میگه: بابا چه خبرته؟! ساندویچیه میگه: آخه عزیز من، این دفعه مغز رشتیه، کلی وره. هفته سفر داره به جان تو! باز طرف چیزی نمیگه و پول و میده و ساندویچش رو میخ بعد دوباره میاد و یک ساندویچ مغز سفارش میده، این دفعه ساندویچیه میگه: میشه 100 تومن! یارو دیگه پاک شاکي میشه و ساندویچ رو میکوبه رو میز داد میزنه: مادر قحبه! این چه مسخره بازی در آوردی؟! ساندویچیه میگه: آخه عزیز من، این یکی مغز ترکه، باید 100 تا !!ه بشکنیم تا ازش یک ساندویچ دربیادکل

ترکه میره پیش رفیقش میگه: بابا تو چی کار میکنی اینقدر وضعه کاسیبیت خوبه؟! ما خیلی کاسیبیمون کساده، سرجدت به ما هم یکم یاد بده. رفیقش میگه: بیاید دو دقیقه بشین میاد میگه: آقا تخم اینجا بین من چیکار میکنم. ترکه میشینه تو دکان یارو، یه مشتری! چمن دارین؟! یارو میگه: بله که داریم، بفرمایید این تخم چمن اینم به ماشین چمن زنی یارو میگه: این برای چیه؟! میگه: خوب عزیزم تو وقتی چمن کاشتی یه ماه دیگه چمنات بلند میشن، اون وقت باید کوتاهشون کنی، حالا تا اون وقت هم معلوم نیست من چمن زن داشته باشم، تازه ممکنه گرون شه... خلاصه یک ربع روضه میخونه، مخ یارو رو میزنه. یارو، هم میگه باشه، چمنزن رو هم میبرم. ترکه اینو میبینه خیلی حال میکنه میگه: بابا ایول کارت خیلی درسته! منم دیگه یاد گرفتم! میره مغازه خودش، یه یارو میاد میگه: آقا نوار! دارین؟ ترکه میگه: بله که داریم، بفرمایین این نوار بهداشتی، اینم یه چمن زن بهداشتی یارو میگه: بابا این دیگه برای چیه؟! ترکه میگه: بابا جان تو که شب جمعت ریده شده !!بیاید حدافل چمنای خونت رو بزنی

نیهرشتیه و قزوینیه رو نصفه شب مست و خراب میگیرن میبرن منکرات. از قزوی
از رشتی! من شاه قزوینم خوار همه تون رو هم میگام: میگه! پدرسگ تو چیکارهای؟ میپرسن
افسره میبینه این! منم پادشاه رستم، خوار همه تون رو هم میگام: میگه! میپرسن تو چیکارهای؟
افرادوتا حالشون خیلی خرابه، اصلاً حالشون نیست کجان، میگه جفتشون رو بنذازن تو یک سلول ت
خوارشونو بگان! صبح که میشه مستی از سر جفتشون پریده بوده، اول قزوینیه رو
:میارن واسه بازجویی، افسره همون اول یکی میخوابونه زیر گوشش بهش میتوپه
:پدرسوخته! دیشب که پادشاه بودی، حالا کی هستی؟! قزوینیه میزنه زیر گریه، میگه
لا دیشب یه غلطی کردیم شما ببخش مارو. بعد نوبت بالام جان من کارگرم، بدبختم، حا
:رشتیه میشه، افسره بهش میتوپه: خوب تو چیکارهای؟! رشتیه میزنه زیر گریه، میگه
والله ما تا دیشب پادشاه رشت بودیم، ولی از دیشب تا حالا ملکه قزوینیم!!! (حالا ترکای
(!!!) قزوینی یه کم حال کنن

(ایرونی!!!) سه نفر کل گذاشته بودن سر اندازه پستونای قابل توجه 90% دخترای)
زنانشون! اولی میگه: پستونای زن من اندازه خریزه است! دومی میگه: پستونای زن من اندازه
هندونست! سومی میگه: بابا اینا که چیزی نیست، من وقتی کرسن زخم رو میبرم خشک
!!! شویی یارو میگه: چتر نجات قبول نمی کنیم

که داشته از تو جزیره آدمخورا رد میشده، یهو میبینه آدم خورا محاصرش کردن. بیچارهتر
جفت میکنه با حال زار میگه: ای خدا بدبخت شدم! یهو یک صدایی از آسمون میاد: نترس بنده
من، بدبخت نشدی! اون سنگ رو از جلوی پات بردار بکوب به سر رئیس قبیله. ترکه
رئیس قبیله جابهجا میمیره، باقی افراد قبیله یکوبه تو کله رئیس قبیله خوشحال میشه، سنگ رو م
:شاک میشن، نیزه به دست، شروع میکنن دویدن طرف ترکه! یهو یک صدایی از آسمون میاد
!!! خوب بنده من، حالا دیگه بدبخت شدی

!!!! به یه کرد میگن: ساعت داری؟ میگه: ساعت چیه، مرد باید کیر داشته باشه

!!!! یه مار بوآ میره تو شرت عربیه، موقع وارد شدن میگه: رخصت پهلوون

به ترکه میگن: شما دانشگاه میری؟
!!!!میگه: اگه بار بخوره میرم

زن رشتیه بچه میزاد، دوستاش میرن به مرده تبریک میگن، مرده بهشون میگه: من چه کاره
!!!!بیدم

براش یه کار خیر پیش میاد(!) میخواد یه کاندوم بخره، ولی ترکه میره عربستان، یه روز
،بک کلوم هم عربی بلد نبوده. خلاصه میره داروخونه، کیرش رو در میاره میگذاره رو میز
پولم در میاره میذاره کنارش. عرب به هم فکر میکنه شرط بندیه، کیرش رو میندازه رو میز و
!!!پولا رو برمیداره

ونسبت بشاشه، میبرنش سونوگرافی، میفهمن بچه ش پطرس فداکاریه زن حامله نمیت

ترکه تا ده سال برای مادرش عزاداری میکرد و همش گریه میکرد. بهش گفتند: آخه چقدر
گریه میکنی، ده سال گذشته گفت: "آخه هر وقت یادم میافته که موقع خاکسپاریش چه دست
و پای میزد جیگرم آتیش میگیره

. ترک میخواستن حکم بازی کنن .. یه نفر کم داشتن سه تا
.. یکیشون میره دم پنجره میبینه غضنفر پایین واستاده و دستش هم تو جیبشه
میگه: آهای غضنفر بازی میکنی؟
میگه نه دارم میخارونمش

به نظر من سیگار پدر: خبر نگاره نظر ترکه رو درباره سیگار میبرسه، ترکه میگه
آخه مادر سلامتی رو: چطور آقا؟ دلیل شما چیه؟! ترکه میگه: خبرنگاره میگه! سلامتی
میگاد

بینن دو تا سگ دارن بایه روز یه پسره با مامانش میرن بازار. میرسن به یه فروشگاه می
کنن؟ مامانه میگه هیچی پسره میگه مامان اینا دارن چکار می! پرن هم ور میرن و هی به هم می
کنن و میان بیرون کنن! دوتایی میرن تو فروشگاه و خریدشون رو می هم شوخی می دارن با
کنه و بینن دو تا سگا هنوز دارن به هم ور میرن! پسره دوباره همون سوال رو از مامانش می می
مامانه باز همون جواب رو بهش میده. یه سه چهار باری پسره با مامانش از اون جا رد میشن و

ر همون سوال رو ميکنه. مامانه يه دفته شاکي ميشه و ميگه صد بار گفتم دارن پسره هر با
کنن چرا بي خيال نميشي؟ پسره ميگه آخه ايناکه شوخي شوخي دارن همدیگرو مي شوخي مي
کنن

شه ی چ می ده پی نقدر قر می ا یره عروس یخه می می

ه؟ ی خوب چ ی لی خ ی ک منشی با خوب ی ک منشی اختلاف

س یی ر ری گه صبح به خ ی م خوب ی منشی
س یی گه صبح شد ری خوب م ی لی خ ی منشی